

کودکان از زمان تولد آماده‌ی آموختن زبان هستند

نویسندگان: جان لایبلیت / کاترین گاتفرد
ترجمه‌ی: دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی

راهبردهای تقویت زبان در دوره‌ی پیش‌دبستانی

اشاره

دانش و مهارت‌های زبانی که کودکان پیش از ورود به دبستان فرا می‌گیرند، اثرات نیرومندی بر چگونگی و میزان توفیق آن‌ها در سال‌های مدرسه رفتن و زندگی پس از آن باقی می‌نهد.

مجموعه مقالاتی که از این شماره و در سه قسمت تقدیم

شما خوانندگان محترم خواهد شد، از سلسله کتاب‌های

فرهنگستان بین‌المللی آموزش، دفتر بین‌المللی

تعلیم و تربیت است که در قالب مجموعه

رویه‌های آموزشی منتشر می‌شوند. در این

سلسله مقالات، اعمال و رویه‌هایی ارائه

می‌شوند که پدران و مادران، مربیان و

سایرین می‌توانند، برای تقویت زبان

کودکان به‌منظور آماده‌سازی پیش از ورود

به مدرسه، به کار گیرند. اگرچه مطالب این

مجموعه مقالات متوجه جنبه‌هایی از رشد

و پرورش زبان و همچنین تدریس هستند که

شمول همگانی و جهانی دارند، ولی باز ممکن است

در برخی از واحدهای پیش‌دبستانی کشورمان،

در اجرا با مشکلاتی مواجه شود. از این رو باید

مندرجات مقالات با توجه به شرایط محلی

ارزیابی شوند و پس از تطبیق و سازگار

شدن، با دقت و ارزیابی پیوسته و مداوم،

به اجرا درآیند.

امیدواریم این مجموعه مقالات مورد

استفاده‌ی مخاطبان مجله قرار گیرد و از

مدیریت و همکاران دفتر همکاری‌های

علمی بین‌المللی وزارت آموزش و

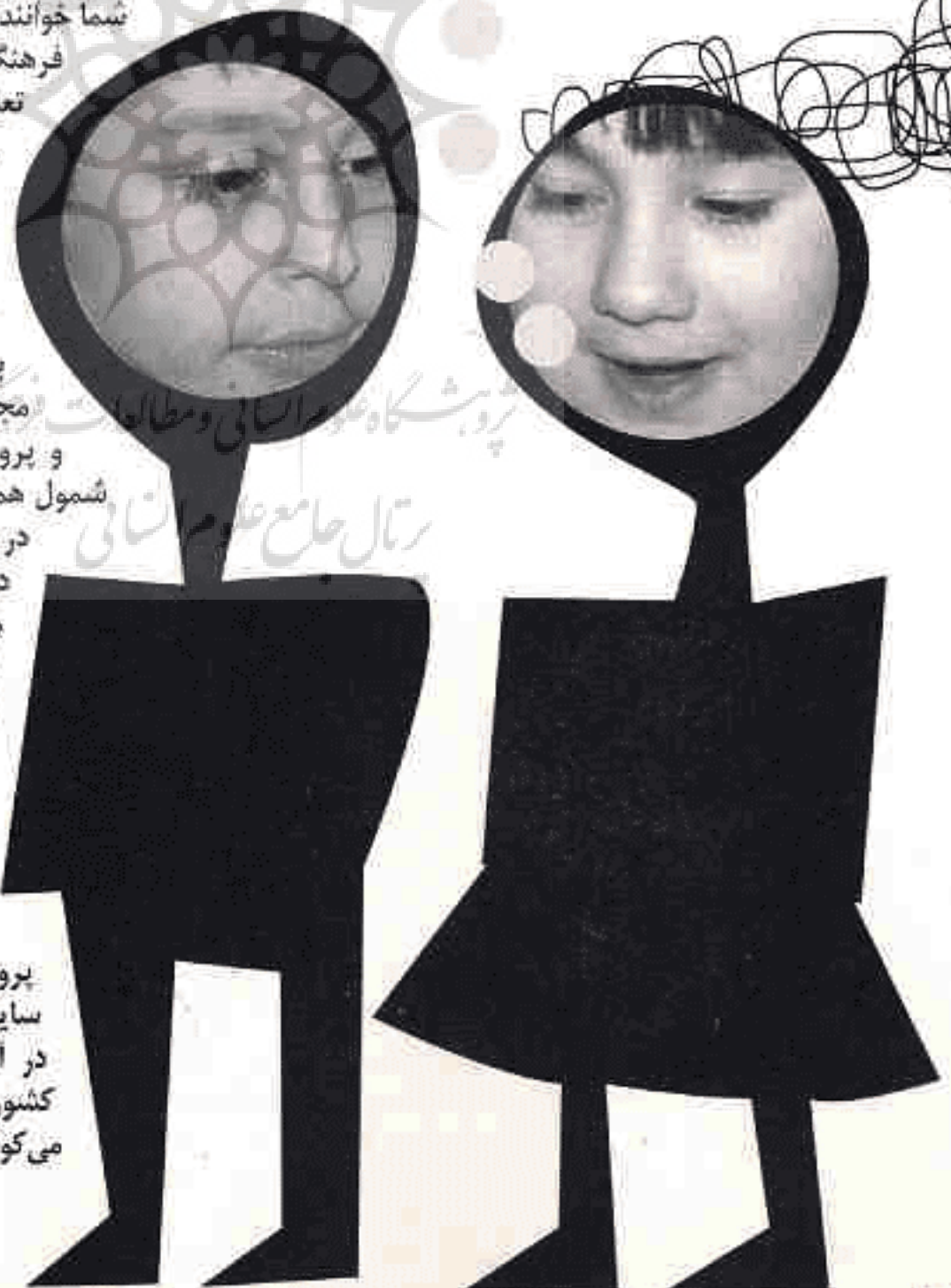
پرورش هم که با ترجمه‌ی این مجموعه و نیز

سایر انتشارات فرهنگستان بین‌المللی آموزش،

در آسنا ساختن جامعه‌ی آموزش و پرورش

کشورمان با یافته‌ها و پژوهش‌های جدید جهانی

می‌کوشند، سپاس‌گزاری می‌کنیم.



سرآغاز

در این مجموعه مقالات، برخی از بهترین رویه‌های عملی در کمک به نوزادان نوپا و سنین پیش‌دبستانی را، برای به حداکثر رساندن مهارت‌های زبانی آنان قبل از ورود به دبستان، خلاصه کرده‌ایم. کودکانی که توسط والدینشان، مربیان مهدها و یا معلمان پیش‌دبستانی به خوبی آماده شده باشند، به راحتی از عهده‌ی گذراندن دوره‌ی انتقالی ما قبل مدرسه و کسب موفقیت در نخستین سال‌های تحصیل در دبستان برمی‌آیند و احتمال این‌که خواندن را با موفقیت یاد بگیرند، بیشتر است. پژوهش‌های اخیر درباره‌ی رشد اولیه‌ی زبان‌ها نشان می‌دهند، مطالب شفاهی در سال‌های پیش‌دبستانی کودک، در تفکر، چاره‌جویی، مراودات اجتماعی و عملکرد وی در مدرسه و دوران تحصیل، نقش اساسی برعهده دارد.

اطلاعات عرضه شده، به‌دلیل مرتبط بودن با کار مربیان خردسالان انتخاب شده‌اند. ما توجه خود را بر سال‌های پیش از کودکتان متمرکز کرده‌ایم، زیرا بسیاری از مهارت‌های بایسته‌ای که آموزگاران به گسترش آن‌ها در کودک می‌پردازند، ریشه در مراوداتی دارد که بین والدین و کودک از لحظه‌ی تولد آغاز می‌شوند.

شاید بعضی‌ها از این پیام که والدین و مربیان می‌توانند مهارت‌های زبانی کودک را بیروند، اظهار تعجب کنند. ما به وضوح نشان خواهیم داد، چگونه والدین در توسعه‌ی زبانی کودکان تأثیرهای گوناگونی دارند. در جهانی که روز به روز برای سواد، تحصیل و آماده‌سازی اطفال برای یادگیری مادام‌العمر ارزش بیشتری قائل می‌شود، برخورداری از مهارت در یک یا چند زبان، به‌صورت اساس و ارکان مستحکم مشارکت کامل فرد یا افراد در فرهنگ و جامعه درمی‌آید. ارزش‌های اولیه‌ی فرهنگ کودک، توسط واژگان و مطالب شفاهی افرادی که مسئولیت آموزش وی را برعهده دارند، منتقل می‌شود. هر جامعه‌ای در این جهان علاقه دارد تا موجداتی فراهم آورد که کودکانش با بهترین آغاز ممکن وارد زندگی شوند و از بهترین امکانات و منابعی که می‌توانند در اختیار اولیا و مربیان کودکان قرار بگیرند، استفاده کنند.

قابلیت درک و به کار بردن واژگان، دستور زبان، روابط کلمات با یکدیگر و استعاره در زبان، برای رسیدن به هدف‌های ذکر شده، از اهمیت خاصی برخوردار هستند. غنی بودن ذخیره‌ی واژگانی شخص، موفقیت در خواندن را به دنبال

خواهد داشت. روابطی که بین کلمات برقرارند، در رابطه با ریاضیات، علوم، تفکر انتزاعی، و چاره‌جویی اهمیت ویژه دارند. درک و به کار بردن دستور زبان در تبیین روابط میان اندیشه‌ها، شروطی هستند که باید موجود باشند تا کودکان بتوانند در انجام کامل و مؤثر مناسبات پیچیده‌ای که میان خانواده، فرهنگ، آموزش و شغل موجودند، مشارکت کنند. خلاقیت تابعی است از قابلیت تفسیر و تولید آن‌چه که در بالا به‌عنوان استعاره در زبان نام بردیم.

با این همه، توسعه‌ی زبان پس از تولد خیلی زود و بسیار پیشتر از شروع تحقق هدف‌هایی که اشاره کردیم، آغاز می‌شود. از آن‌جا که والدین نخستین مربیان کودکان خود هستند، در تعلیم زبان به کودکان نیز مقام آغازین را دارند و مربیان و آموزگاران دیگر، بعد از پدر و مادر در مقام بعدی قرار می‌گیرند.

در چهار گوشه‌ی جهان، از نظر دسترسی والدین به منابع و امکانات اقتصادی و آموزشی و مواد چاپی، نابرابری‌های بزرگی مشاهده می‌شود. در این مجموعه مقالات، بر تکنیک‌هایی تأکید می‌کنیم که مربیان را به سوی تعامل با کودکان هدایت می‌کنند تا آنان با حداقل منابع، امکان حداکثر یادگیری را برای فرزندان خردسال خویش تأمین کنند. والدین و مربیان به ایجاد ساختار واژگانی، روابط بین لغات و تصورات، چاره‌جویی، خلاقیت و استفاده‌ی مجازی از زبان از طریق گفت‌وگو با کودکان خود، تشویق شده‌اند. والدین صرف‌نظر از سطح آموزشی خودشان و چگونگی دستیابی به فناوری، یا نحوه‌ی در اختیار گرفتن منابع رسمی مدرسه‌ای (از قبیل کتاب‌های درسی و غیره) خواهند توانست رویه‌های عملی را که در مجموعه‌مقالات حاضر به اختصار شرح می‌دهیم، از قوه به فعل درآوردند.

۱. مطالب عرضه شده: ارزش آشنا ساختن زبانی زود هنگام و منسجم به کودکان

کودکان از زمان تولد، آمادگی آموختن زبان را دارند.

یافته‌های پژوهشی

کودکان از وقتی که به دنیا می‌آیند، آماده‌ی یادگیری زبان‌اند. از نخستین زمانی که مادر و کودک نوزاد، به واری‌های چهره‌های یکدیگر می‌پردازند، کودکان

آشنایی با نویسندگان

دکتر جان لایبالت^۱ که تحقیق درباره‌ی سیستم‌های یادگیری جهشی را مدیریت می‌کند، از متخصصان مجرب بالینی در عرصه‌های مربوط به نقش زبان در ارتباطات اجتماعی و آکادمیک است. وی در زمینه‌ی اجرا و بسط برنامه‌های مورد نیاز و استفاده‌ی والدین، آموزگاران و دیگر ارائه‌دهندگان خدمات به کودکان در نواحی و عرصه‌هایی که سطح منابع و امکانات در آن‌ها پایین است، به‌طور گسترده‌ای قلم‌فرسایی کرده است. از او اثری زیر چاپ است با عنوان «زبان پیش‌دبستانی و برنامه‌ی درسی سوادآموزشی گابرینی - گرین»^۲.

دکتر کترین اچ. گاتفرد^۳ که مدت ۲۵ سال به کار تعلیم آموزگاران، والدین و دانش‌آموزان در مرکز شهر شیکاگو اشتغال داشته، در حال حاضر استادیار دانشگاه ایلینوی است. وی با نوشته‌های خود، برای پر کردن خلأ و کمبودهای آموزشی در آمریکا، با به کار بردن تکنیک‌هایی به منظور بهبود زبان، تلاش دامن‌داری کرده است. آن‌چه که وی هم اینک توجه خود را بر آن متمرکز ساخته، تلاشی است در سطح و گستره‌ی ملی، با هدف هم‌سوسازی مصوبات قانونی و فعالیت‌های دولت در عرصه‌هایی که بر ارتباطات و آموزش در رابطه با کودکان و بزرگسالان اثرگذار واقع می‌شوند. او این فعالیت‌ها را در چارچوب همکاری با انجمن آمریکایی سخن، زبان و شنوایی به انجام می‌رساند.

1. Dr. John Lybolt.
2. Gabriini-Green preschool language and literacy curriculum.
3. Catherine H.Gatfred.

آشنایی با دفتر بین‌المللی تعلیم و تربیت (آی.بی.ای)

آی.بی.ای که یک مرکز بین‌المللی تنظیم محتوای آموزشی است، در سال ۱۹۲۵ به‌عنوان مؤسسه‌ای خصوصی در ژنو تأسیس و در سال ۱۹۲۹ به نخستین سازمان بین‌المللی در عرصه‌ی آموزش مبدل شد. در ۱۹۶۹، آی.بی.ای، به‌عنوان مؤسسه‌ای جدانشدنی و با این حال خودمختار، با سه مشی عمده‌ی اجرایی، به یونسکو پیوست:

۱. سازمان‌دهی نشست‌های کنفرانس بین‌المللی آموزش؛
 ۲. گردآوری، تحلیل و انتشار اسناد و اطلاعات آموزشی، به‌ویژه درباره‌ی نوآوری‌های آموزشی و روش‌های تعلیم و تدریس؛
 ۳. انجام بررسی‌ها و مطالعات در عرصه‌ی آموزش تطبیقی.
- در حال حاضر، آی.بی.ای کارهای زیر را انجام می‌دهد:
- الف) مدیریت گردآوری و تنظیم داده‌های جهانی آموزش که یک بانک اطلاعاتی است و اطلاعات نظام‌های آموزشی ملی را بر مبنای تطبیقی عرضه می‌کند.

- ب) در زمینه‌ی بهبود برنامه‌ی درسی در کشورهای در حال توسعه، دوره‌های آموزشی برگزار می‌کند.
- ج) نوآوری‌های شایان توجه درباره‌ی آموزش را گردآوری و از طریق بانک اطلاعاتی خود، اینودیتا، توزیع می‌کند.
- د) تهیه‌ی گزارش‌های ملی توسعه‌ی آموزش را هماهنگ می‌کند.
- ه) اعطای جایزه‌ی کومنیوس^۲ به معلمان پژوهشگران آموزشی برجسته را برعهده دارد.
- و) فصل‌نامه‌ی آموزشی به نام پراسپکت^۳ [چشم‌انداز آموزش]، فصل‌نامه‌ی خبری به نام نوآوری و اطلاعات آموزشی^۴، یک راهنما برای دانشجویان خارجی به نام تحصیل در خارج^۵، و همچنین نشریات دیگری را منتشر می‌کند.
- دفتر بین‌المللی تعلیم و تربیت ضمن برگزاری دوره‌های آموزشی برای بهبود برنامه‌ی درسی، در حال حاضر مشغول دایر کردن شبکه‌های منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای در امر مدیریت تغییر برنامه‌های درسی مدرسه‌ها و ایجاد یک سرویس نوین اطلاع‌رسانی است که قرار است مرکزی برای مبادله‌ی اطلاعات محتوایی باشد.
- اداره‌ی امور آی.بی.ای را شورایی مرکب از نمایندگان بیست و هشت دولت عضو که در کنفرانس عمومی یونسکو انتخاب می‌شوند، برعهده دارد. آی.بی.ای به پیوستگی و همکاری خود با فعالیت‌های فرهنگستان بین‌المللی آموزش افتخار می‌کند و در مقام یک مرکز تبادل که کارش ترویج مبادله‌ی اطلاعات در باب رویه‌های آموزشی است، به انتشار مجموعه مقالات حاضر مبادرت کرده است.

1. The International Bureau of Education - IBE.
2. INNODATA
3. Comenius Award.
4. Prospect
5. Educational innovation information
6. study Abroad

معنی لبخند، تبسم و اخم کردن را می‌آموزند. واکنش‌های نوزاد نسبت به مادر و واکنش‌های مادر نسبت به نوزاد، تشکیل نخستین گفت‌وگوهای یک طولانی و پرحادثه به‌عنوان استفاده‌کننده از زبان بشری را نوید می‌دهد.

به هنگام تولد، ساختار عصبی مغز کودک هنوز در حال سازمان یافتن است. شمار یاخته‌های عصبی، عظیم‌تر و هم‌چنان در حال رشد و بیشتر شدن است. بعضی از یاخته‌های عصبی از بدو تولد کودک آماده‌ی انجام اعمال و وظایف مشخصی هستند. پیوندهای جدیدی شکل می‌گیرند که کودک را در فراگیری مهارت‌های تازه یاری می‌دهند. هر تجربه‌ای در زندگی نوزاد، پیوندی بین نوروها (یاخته‌های عصبی) ایجاد می‌کند که با تکرار تجربه‌ها تقویت می‌شود. مطالب عرضه شده توسط والدین و مربیان، به کودکان کمک می‌کنند تا در دنیای احساسات و تعاملات شخصی مخصوص خود، به سازمان‌دهی و برقرار کردن پیوندها و ارتباطات بپردازند. این الگوهای ارتباطی با پیشرفت سن و تجربه پیچیده‌تر می‌شوند و به کودک اجازه می‌دهند تا به پیشگیری، تفسیر، پیشگویی، تجزیه و تحلیل، تخیل، ابداع و ارتباط با دیگران مبادرت کند. توانایی کودکان در فرایند درک و به بیان درآوردن روابط ذکر شده، از نتایج مستقیم روابطی است که به وسیله‌ی زبان و از سوی والدین تسهیل شده‌اند.

طبق گفته‌ی دانشمندان، هرگاه به سبب آمادگی عصب‌شناختی، توانایی انجام برخی از مهارت‌ها، آسان‌تر از بعضی دیگر به‌وجود بیاید، دریچه‌های فرصت به روی ما گشوده می‌شوند. برای مثال، روابط و پیوندهایی که به کار استفاده از قوه‌ی بینایی می‌خورند، باید در طول چهار ماهه‌ی نخست زندگی کودک برقرار شوند. دریچه‌های دیگر، مدت‌های طولانی‌تری گشوده می‌مانند. در طول این دوره‌های حساس، بعضی مهارت‌ها از قبیل زبان، در پنج یا شش سال اول زندگی آسان‌تر آموخته می‌شوند تا بعد از آن. کودکان در طول این دوره‌ی حساس، زبان مادری را به بهترین وجه می‌آموزند و قادرند زبان‌های دیگری را نیز با تلاشی به مراتب کمتر از آن‌چه که بزرگسالان برای یادگیری یک زبان جدید نیاز دارند، یاد بگیرند. کودکانی که در این دوره‌ی حساس، تکلم به زبان‌های متعددی را می‌آموزند، ممکن است علاوه بر آن زبان‌ها، بر زبان مادری خود نیز اشراف یابند. به‌نظر نمی‌رسد که کودکان در ترکیب دستور زبان، اصوات، واژگان چند زبانی - اگر زبان‌های دیگری را پیش از اتمام دوره‌ی یاد شده آموخته باشند - با مشکلی روبه‌رو شوند. اگر مهارت‌های زبانی در آن دوره‌ی حساس به حداکثر رسیده باشند، کودکان خواهند توانست به متفکران، صحبت‌کنندگان، مطالعه‌کنندگان و نویسندگان تأثیرگذارتری در عمر

معنی لبخند، تبسم و اخم کردن را می‌آموزند. واکنش‌های نوزاد نسبت به مادر و واکنش‌های مادر نسبت به نوزاد، تشکیل نخستین گفت‌وگوهای یک طولانی و پرحادثه به‌عنوان استفاده‌کننده از زبان بشری را نوید می‌دهد.

به هنگام تولد، ساختار عصبی مغز کودک هنوز در حال سازمان یافتن است. شمار یاخته‌های عصبی، عظیم‌تر و هم‌چنان در حال رشد و بیشتر شدن است. بعضی از یاخته‌های عصبی از بدو تولد کودک آماده‌ی انجام اعمال و وظایف مشخصی هستند. پیوندهای جدیدی شکل می‌گیرند که کودک را در فراگیری مهارت‌های تازه یاری می‌دهند. هر تجربه‌ای در زندگی نوزاد، پیوندی بین نوروها (یاخته‌های عصبی) ایجاد می‌کند که با تکرار تجربه‌ها تقویت می‌شود. مطالب عرضه شده توسط والدین و مربیان، به کودکان کمک می‌کنند تا در دنیای احساسات و تعاملات شخصی مخصوص خود، به سازمان‌دهی و برقرار کردن پیوندها و ارتباطات بپردازند. این الگوهای ارتباطی با پیشرفت سن و تجربه پیچیده‌تر می‌شوند و به کودک اجازه می‌دهند تا به پیشگیری، تفسیر، پیشگویی، تجزیه و تحلیل، تخیل، ابداع و ارتباط با دیگران مبادرت کند. توانایی کودکان در فرایند درک و به بیان درآوردن روابط ذکر شده، از نتایج مستقیم روابطی است که به وسیله‌ی زبان و از سوی والدین تسهیل شده‌اند.

خود تبدیل شوند.

نقش‌های والدین و مربیان

بسیاری از تجربه‌های روزمره‌ی مربی / کودک، منجر به کسب تجربیات با ارزش، در عین حال تا حد بسیار زیادی تجربیات غیرعمدی می‌شود که مغز را تحریک می‌کند و در نتیجه باعث توسعه‌ی زبان می‌شود. دو مثال از بین فعالیت‌های بسیار را فهرست‌وار ذکر می‌کنیم:

■ بوسیدن، گاز گرفتن، دالی‌بازی (دالی موشه)

- موجبات تحریک‌های گفتاری ناشی از دخالت چندین حس گوناگون و توأم با حضور حس لامسه و بالاخره تحریکات بصری را فراهم می‌کند.
- برانگیختگی‌های مکرر و مستقیم برای نگاه کردن، گوش دادن و حس کردن را به کودک می‌دهد.
- فرصت‌هایی متعدد برای انگیزش و محبت توأم با کلام یا بدون آن را برای طفل فراهم می‌کند.
- صدا درآوردن پیش یا بعد از یک عمل از راه تحریک این چیزها را سبب می‌شود.
- فرصت‌هایی برای «مکالمه‌ی» فیزیکی به والدین می‌دهد.

■ شستن سر طفل

- اجازه می‌دهد که بسیاری از معانی و مفاهیم (گرمی، خیس، صابونی شدن) و اعمال زیادی (بستن، باز کردن، شستن و خشک کردن) به‌طور طبیعی فراگرفته شود.
- باعث به وجود آمدن حس اعتماد، مشارکت، همکاری و تعامل مثبت بین مربی و کودک می‌شود.
- سبب می‌شود پای انتظار و پیش‌بینی در رابطه با مراحل از قبیل آغاز، میانه و پایان به میانه بیاید.
- به طفل کمک می‌کند پیروی از دستورها را یاد بگیرد.

۲. والدین و رشد زبان

والدین نخستین معلمان کودکان خود هستند.

یافته‌های پژوهشی

پژوهش‌های جاری حاکی از آن هستند که یادگیری زبان خیلی زود در زندگی کودک آغاز می‌شود. نوزادان بلافاصله پس از تولد، به جنبه‌های گوناگون صدای انسانی و اصوات محیط، به گونه‌های متفاوتی پاسخ می‌دهند. مادر و کودک صداهای یکدیگر را اندک زمان پس از تولد کودک باز می‌شناسند و بدان پاسخ می‌دهند. آرامشی که نوزادان با شنیدن آوای آهنگین موسیقی کسب می‌کنند، غالباً بیشتر از آرامشی است که با دریافت غیرتکلمی به‌دست می‌آورند. اطفال تازه به دنیا آمده تفاوت‌هایی را که میان اصوات زبان (تکلمی) و غیرزبانی وجود دارند، تشخیص می‌دهند و کوتاه زمانی پس از تولد قادرند، فرق اصوات تکلمی و غیرتکلمی (زبانی و غیرزبانی) مربوط به بسیاری از زبان‌ها را دریابند. کودک ظرف نخستین شش‌ماه زندگی، حروف

صدادار و حروف بی‌صدای زبان اولیه‌ی خود را چنان به شناخت درمی‌آورد که فرق آن با حروف صدادار و بی‌صدای زبان‌های دیگر (یعنی زبان غیرمادری) را باز می‌شناسد. نوزادان، مقصود گوینده‌ی سخن را از آهنگ و حالت صدا درمی‌یابند و به این ترتیب در همان اوان زندگی، در واقع مکالمه می‌کنند. این مکالمه همراه با تولید شدن صداها با کلمات و دستور زبان، پا به پای رشد کودک گسترش می‌یابد.

کودکان از زمان تولد موجوداتی صداساز هستند و انواع فزاینده‌ای از صداها را تولید می‌کنند. صدای ملج ملوج لب، اصوات بلند حاکی از یک احساس عمیق، نفس‌های عمیق یا آه که به یک حرف با صدای الفبا شباهت دارد، و صداهای مخصوص که طفلی به هنگام خرامیدن و سریدن درمی‌آورد و آهنگ خاص خود را دارد و بالاخره رشته‌ی اصوات هجا مانندی که با ور ور کردن همراه است، همه و همه در نخستین شش‌ماه تا هشت‌ماه پس از تولد ادا می‌شوند. والدین در سراسر جهان به صداهایی که نوزادان خود درمی‌آورند، با تقلید همان اصوات و افزودن صداهای بیشتری به آن‌ها، در واقع به نوعی با کودک سخن می‌گویند که نوعاً مکالمه‌ای «مادرانه»

است. مکالمه‌ی مادرانه مرکب از صداهایی است که هم راحت ادا می‌شوند و هم به کودک آرامش می‌دهند. در این «مکالمه»، از اصوات تکراری و کوتاه، و عباراتی مکرر که پدر و مادرهای سراسر جهان در تعاملات رودررو با کودک به کار می‌گیرند، استفاده می‌شود.

نخستین صداها، هجاهای ناشمرده

و اولین اصوات نزدیک به کلام که از زبان کودک در می‌آیند، از نظر ساختار زبانی در چهارگوشه‌ی جهان به هنگام ظهور، متشابه هستند. برای مثال نوزادان ماندارینی و انگلیسی، از ابتدا واژگان مشابهی بر زبان می‌رانند (از قبیل بای‌بای، خوردن، بابا، ماما، هی، اووه، اه، سگ، توپ...) ولی با رشد واژگان ابتدایی، کودکان چینی، بیشتر به تولید افعال می‌پردازند. در حالی که نوزادان انگلیسی بیشتر، اسم‌ها را ادا می‌کنند. البته بعدها این اختلاف برطرف می‌شود.

اصوات غالب در سخن،

ساختار هجایی، ساختار آوایی، و توزیع بخش‌هایی از سخن که با نخستین واژگان آموخته شده از سوی کودک همراهاند، به‌وسیله‌ی ساختار زبانی والدین شکل می‌گیرند. کودکان، مرزهای کلمات، دستور زبان، دسته‌بندی واژگانی و معانی کلمات و قواعد حاکم بر ترتیب کلمات و بسیاری





دیگر از جنبه‌های زبانی را با شنیدن سخنان افراد بالغ یاد می‌گیرند. اکثر کودکان بخش اعظم این یادگیری را تا چهار پنج سالگی به انجام می‌رسانند. کودکانی که از مکالمه‌ی رو در روی مادرانه، و مطالب عرضه شده توسط مربیان دلسوز برای کمک به زبان باز کردن، محروم بوده‌اند، دچار کمبودهایی در ارتباط با تمام جنبه‌های سخن، و از لحاظ حجم و نوع آن می‌شوند. آن‌ها بدین ترتیب از دریافت واژگان و آگاهی از چم و خم پیچیدگی زبان و سخن، بی‌بهره می‌مانند. بعدها وقتی با مربیان دلسوز رودررو شدند که افراد بالغی هستند، ولی زبان مادرانه را در گفت‌وگو به کار می‌برند، در تماس با هم‌سالانی واقع می‌شوند که چون گذشته‌ی بهتری داشته‌اند، دارای پشتوانه‌ای غنی در زبان‌آموزی بوده‌اند. قرار گرفتن در معرض این گونه تماس‌ها، به فرصتی تبدیل می‌شود تا کودکان مورد بحث، تأثیرهای عمیقاً مثبتی دریافت کنند و فرصت تعبیر و تفسیرهایی را برای سخن و کلمات بیابند که آثاری پربرکت بر فراگیری مهارت‌های ارتباطی باقی می‌گذارند.

نقش‌های والدین و مربیان

■ استفاده از طرز سخن گفتن مادرانه

■ این الگوی سخن گفتن که در آن مادران و مربیان دلسوز، ادای حروف صدادار را طول می‌دهند و با تلفظ روشن آهنگ‌های کلمات، به آن چاشنی می‌زنند، کمکی است به نوزادان تا اصوات و لحن و آهنگ واژگان و ساختار زبانی آن‌ها را یاد بگیرند.

■ مادران و مربیان وقتی می‌کوشند حرف زدن را آرام‌آرام به نوزادان یاد بدهند، از حرکات چشم و طرز نگاه و انواع قیافه‌هایی که در چهره‌هایشان به نمایش درمی‌آیند، برای تبیین معانی استفاده می‌کنند. این روش به کودکان و نوزادان کمک می‌کند تا امور عاطفی را دریابند و توجه خویش را بر کلامی که از دهان مادر و مربی درمی‌آید، متمرکز سازند.

■ نوزادان از سخنانی که در موقعیت‌های متفاوت روزانه مثل غذا خوردن، حمام کردن، در بغل بودن و یا بازی کردن با آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، بهره می‌برند.

■ سخن والدین، نوزادان را یاری می‌دهد تا شروع و پایان هر سخنی را که می‌شنوند، تشخیص دهند. آن‌ها این کار را با پیش‌بینی و درک آغاز و پایان هر عبارت یا جمله به انجام می‌رسانند. به علاوه، فهم آنان از «گذار» و انتقال از یک عمل به عملی دیگر نیز از همین راه انجام می‌شود.

■ آواها، لالایی‌ها و سخنان آرامش‌بخش، به نوزادان کمک می‌کنند تا آرام شدن را بیاموزند و خود را با تجربه‌های تازه تطبیق دهند. کلمات وقتی به‌طور منسجم تکرار شوند، به نخستین واژگانی تبدیل می‌شوند که کودک آن‌ها را درک می‌کند و بعداً در صحبت به کار می‌گیرد.

بقیه‌ی رویه‌ها را در شماره‌ی بعد بخوانید.

جستاری کوتاه درباره‌ی

قصه

قصه‌گویی

محمد رضا یوسفی
داستان نویس کودک و نوجوان

